

توضیح

درباره یک حکم

● در پی انتشار یادداشت پوریا عالمی با عنوان «ستون آخر» در صفحه آخر روزنامه «شرق» به تاریخ شنبه ۲۰ مهر، مبنی بر حکم حبس ایشان، نزد خوانندگان روزنامه و نیز در فضای مجازی این شائبه ایجاد شد که ایشان برای گذراندن حکم حبس به زندان فراخوانده شده است. در حالی که شنبه‌ها حاکی است حکم این روزنامه‌نگار هنوز به اجرای احکام دادسرا سپرده نشده و بر این اساس، روزنامه «شرق» امیدوار است که این حکم مشمول رفت اسلامی قرار بگیرد.

رسانه

«اکسپرس» مُرد، زنده‌باد «روزنامه»

پژمان موسوی

● هفته‌ای که گذشت انتشار یک خبر بازتاب گسترده‌ای در فضای رسانه‌های جهان داشت: «روزنامه اکسپرس برای همیشه تعطیل شد!» این روزنامه که سال‌ها در واشنگتن توزیع می‌شد و اقبال فراوانی به‌ویژه در میان مسافران خطوط مختلف متروی این شهر داشت، به دلیل آنچه «گرایش شدید مردم به استفاده از دستگاه‌های الکترونیک و رسانه‌های دیجیتال» و در نتیجه عدم تأمین مالی این رسانه عنوان شد، از سوی مؤسسه واشنگتن‌پست که ناشر آن بود، برای همیشه تعطیل شد. مهم‌تر از این تعطیلی، تیتریکی بود که این روزنامه برای شماره آخر خود برگزید. تیتتر شماره پایانی این روزنامه این بود: «امیدواریم با تلفن‌های همراه خبرنگران خوش باشید». تعطیلی اکسپرس و رویدادهای مشابهی که در حوزه رسانه‌های مکتوب داده است، بار دیگر این پرسش مهم را پیش کشیده که آیا دوره رسانه‌های مکتوب به سر رسیده است؟ آیا این تعطیلی‌ها به این معناست که دیگر باید با روزنامه و مجله خداحافظی کرد؟ مهم‌تر از آن، اگر این‌گونه است، چرا هنوز در بسیاری از کشورهای پیشرفته دنیا که در دنیای دیجیتال حرف‌های بسیاری برای گفتن دارند، روزنامه‌هایی برای اثراژ میلیونی منتشر می‌شوند؟ این تناقض از کجا می‌آید و نحوه مواجهه ما با این پدیده هر روز در حال گسترش چگونه باید باشد؟ اما سؤال اصلی برای یک مثل من این است: «چرا در این روزگار رسانه‌زده پرسروصدا با انبوهی از رسانه‌های دیداری و شنیداری و مجازی، باید روزنامه و مجله منتشر کرد؟» آیا هنوز هم می‌توان ادعا کرد که مجلات و روزنامه‌های ما می‌توانند برای مخاطبان جذاب باشند؟ راز این جذابیت چیست؟ آیا اساسا انتشار روزنامه‌ها و مجلات مکتوب در این روزگار توجه دارد؟ پاسخ من به این پرسش‌ها یک کلمه است: «بله»!

واقعیت این است که با گسترش وسایل ارتباط جمعی و نفوذ رسانه‌های دیجیتال از یک طرف و گسترش شبکه‌های مختلف خبری تلویزیونی و ماهواره‌ای از طرف دیگر، مردم دیگر نیاز چندانی به بیکگری اخبار مورد نظرشان از طریق روزنامه‌ها و مجلات ندارند و این نیاز خود را به‌خوبی و حتی بسیار بهتر و بیشتر از روزنامه‌ها و مجلات از همان طرق دنبال می‌کنند و برای این منظور نیاز چندانی به روزنامه‌ها و مجلات ندارند. پس راز جذابیت روزنامه‌ها و مجلات برای صاحبان فکر و قلم از یک‌سو و مردم از سوی دیگر چیست؟ به نظر می‌رسد مهم‌ترین نکته در این‌باره، نیاز مردم به «تحلیل» و «تفسیر» است؛ امری که در فضای مجازی که عرصه «سریعت» و نه «دقت» و «تأمل» است، امکان وقوع ندارد. مروری بر شبکه‌های مختلف مجازی و رسانه‌های فارسی‌زبان ماهواره‌ای نشان می‌دهد در این رسانه‌ها فقط سرعت انتشار است که برای سردمداران این رسانه‌ها اهمیت دارد و یبودن گوی سبقت از رقبا. همین امر هم هست که دقت این رسانه‌ها را پایین می‌آورد و آنها را به محلی برای انتشار هر چیزی به نام خبر تبدیل می‌کنند. فضای مجازی اساسا جایی برای تأمل و تعمق نیست و این امکان را به مخاطبان نمی‌دهد که «تمرکز»کنند. از سوی دیگر، هم فضای مجازی و هم شبکه‌های ماهواره‌ای «فرار» هستند و ردی از خود باقی نمی‌گذارند. می‌آیند و می‌روند اما این رسانه‌های مکتوب هستند که با دقت و حوصله و کار حرفه‌ای، امکان «تأمل» را برای مخاطبان‌شان فراهم می‌آورند و آنها را به «تعمق» دعوت می‌کنند. چیدمان صفحات، انتخاب سوزدها و نویسندگان، به‌کارگرفتن خبرنگاران و کادر حرفه‌ای، اختصاص صفحاتی جذاب، انتشار ویژه‌نامه‌های موضوعی و... از جمله موضوعاتی هستند که در رسانه‌های مکتوب جدی گرفته می‌شوند تا محتوایی متفاوت در اختیار مخاطب قرار گیرد.

یک زمانی بود که تصور می‌شد با گسترش شبکه‌های تلویزیونی و ماهواره‌ای و راه‌اندازی و فعالیت ده‌ها سایت و خبرگزاری دولتی و خصوصی، دیگر جایی برای روزنامه‌ها و مجلات نخواهد بود و مردم دیگر دلیل و انگیزه خود را برای خواندن روزنامه‌ها و مجلات از دست خواهند داد؛ عدد شبکه‌های ماهواره‌ای و تلویزیونی از هزار گذشت و عدد سایت‌ها و خبرگزاری‌ها هم از صد، ام‌انه تنها اقبال مردم به روزنامه‌ها و مجلات کم نشد که در مواردی کمتر هم شد. جرایبی این روش است. همان‌طور که کتاب‌های میگزینی نیافت، روزنامه‌ها و مجلات هم جایگزینی نخواهند یافت. البته همه اینها منوط است به راهی که روزنامه‌نگاران بر می‌گزینند؛ راهی که باید در خدمتگزاری حقیقت باشد و در خدمتگزاری آزادی. اگر این‌گونه بود، هیچ چیز برای یاری حذف رسانه‌های مکتوب نیست.

شتر

روزنامه

یکشنبه ۲۱ مهر ۱۳۹۸ ۱۴ صفر ۱۴۴۱ ۱۱۲۰ اکتبر ۲۰۱۹ سال هفدهم شماره ۳۵۴۸ * ۱۶ صفحه اذان ظهر تهران ۱۱:۵۱ * اذان مغرب ۱۷:۵۰ * اذان صبح فردا ۴:۴۶ * طلوع آفتاب ۶:۰۹

روزنامه‌فرو

کار تون خواب

آجل بولیگان

www.sharghdaily.ir

فرداشargh@gmail.com

کودک

حقیقتی دست‌یافتنی

فرحناز عطاریان

می‌تواند کودکی که به‌طور مستقیم با جنگ، منازعه، نابرابری‌های اجتماعی، فقر، هراس و پیامدهای تخریب محیط زیست مواجهیم یا رسانه‌ها اخبار آنها را پی‌درپی به گوش ما می‌رسانند و هراس و ناامنی و ناامیدی را در ما ایجاد می‌کنند، آیا حرف‌زدن از صلح آب در هاون کوبیدن است؟ آیا صلح حقیقتی دست‌نیافتنی به نظر می‌رسد؟ «برای چه؟ مگر فایده‌ای دارد؟» پرسشی است که در ذهن یک فعال مدنی به‌کرات شکل می‌گیرد و مواجهه مستقیم با وقایع یا اخبار شاید ما را وادار کند برای مدتی هرچند کوتاه، دست روی دست بگذاریم. آیا واقعیت چنین است؟ در طول تاریخ، جهان بارها و بارها فجاج و بحران‌ها را به خود دیده و از آن گذر کرده است. گرچه خاطرات تلخ را از خود باقی گذاشته و پیامدهایش در طولانی‌مدت کام مردم را تلخ کرده است، اما زمان در حال حرکت است و گذشته همیشه پشت‌سر ماست و ما باید فاجعه‌اندیش باشیم.

حل‌کردن معادلات سیاسی و مقابله با خشونت‌هایی که گروه‌های بزرگ انسانی را تهدید می‌کند، اگر نگوییم همیشه، در بیشتر مواقع از دست ما خارج است.

توانایی تغییر ساختاری و فرهنگی که، گاه، مهر تأیید به خشونت‌های مستقیم می‌زند در دستان ماست و درطول زمان کودکان که قرار است فرمان دنیا را به دست گیرند، پرچمدار این حرکت خواهند بود.

ما چه در مقام خانواده و چه متولیان آموزشی، وظیفی در قبال کودکان داریم. یکی از وظایف ما آموزش‌وپرورش کودکان امروز است که فردا می‌سازند و دیگری فراهم‌کردن بستری امن با حفظ کرامت انسانی و رعایت حقوق حقه او برای اینکه رشد کند و به بالندگی برسد. این به‌مثابه یک دادوستد از زمان حال برای آینده است. در ماده ۲۹ کنوانسیون حقوق کودک می‌خوانیم: «از اهداف تربیتی این است که کودک را باید برای زندگی در یک جامعه آزاد پر پایه تفاهم، دوستی، پذیرش دیگری، تساوی حقوق زن و مرد، وحشی‌ملت‌ها و گروه‌های قومی، ملی، مذهبی آماده کرد.»

از دیگر وظایف، پرورش کودک به‌عنوان دوست‌دار طبیعت و محیط زیست است. خانواده به‌عنوان نهاد اجتماعی نخستین، چگونه می‌تواند نقش تربیتی و پرورشی خود را ایفا کند؟ چگونه

مغز اجتماعی – ۸۶

چگونه می‌توان حقیقت را از چنگال مصلحت بیرون کشید؟

عبدالرحمن نجل‌رحیم مغزپژوه

در یادداشت هفته قبل درباره خصوصیات مغزی افراد با شخصیت اسپرگری (طیف آلتیسم) توضیحاتی داده شد. یکی از مشخصات این افراد گریزان از روابط اجتماعی با هوش بالا، پرهیز از درگیرشدن با مسائل پیچیده دادوستدهای اجتماعی و فرهنگی و امتناع از مصلحت‌جویی‌های اجتماعی و صراحت در حقیقت‌گویی بی‌توجه به عواقب اجتماعی آن است. به‌نظر می‌رسد در جوامع امروز از این خصوصیت شخصیت اسپرگری در افشاکری‌های فساد و سوءاستفاده از قدرت در سطوح بالا و در کمپانی‌های مالی اقتصادی چندملیتی استفاده می‌شود زیرا این افراد به علت عدم درگیری در روابط مصلحت‌جویانه گروهی، کسانی هستند که جرئت و شهامت دمیدن در سوت برای برلاکردن خطاکاری‌ها و فساد در سطوح بالای قدرت را دارند. به همین دلیل است که به این افراد، در سوت‌دمنده «ویسل بلونر» می‌گویند. جدیدا شاهد بودیم در آغاز جریان برملاشدن احتمال سوءاستفاده از قدرت رئیس‌جمهور ترامپ برای بی‌اعتبارکردن رقیب در انتخابات ریاست‌جمهوری آینده آمریکا، ماجرا از افشاکری مأموری مخفی شروع شد که برای اولین بار سوت خطاکاری قانونی رئیس‌جمهور در کاخ سفید را به صدا درآورده بود. کار این مأموران ناشناس تحت حفاظت قانون این است که با افشاکری به‌موقع خود نکذارند افراد پرقدرت در حکومت از موقعیت خود سوءاستفاده غیرقانونی کنند. در این میانه، تقابل خصوصیات شخصیتی کسانی همچون ترامپ در مقابل در سوت‌دمندگان افشاگر جالب است. چون پس از گذشت سه سال از ریاست‌جمهوری ترامپ، اکثر صاحب‌نظران شکی ندارند ترامپ شخصیتی خودشیفته دارد که یکی از مشخصات آن دروغ‌گویی و تحریف واقعیات است. طبق آمار دقیق، ترامپ در ۹۲۸ روز تا پنجم آگوست گذشته ۱۰ هزارو یک ادعای غلط و دروغ کرده و به‌طور متوسط هر روز ۱۳ دروغ آشکار برای حفاظت از «من» متورم خود داشته است. خودشیفته‌های بدخیمی مانند ترامپ با ثروت و قدرت، به دور خود حصار امنیتی ایجاد می‌کنند و با ایجاد فضای خشونت‌بار هتاکانه لفظی سریع شبانه‌روزی و استفاده از شبکه‌های اجتماعی (همچون توییت) از آن محافظت می‌کنند. در این میان، گویا فقط کسانی جرئت عبور از خط قرمز قدرت و افشای خلافکارهای او را پیدا می‌کنند که مغزشان فارغ از مصلحت‌جویی‌های اجتماعی دست‌ویاگیر، آمادگی رویارویی مستقیم با خطاکاری‌ها و فسادهای ناشی از قدرت را داشته باشد. به عقیده پژوهشگرانی مانند اتوود، اغلب دمندگان در سوت برای رسواکردن خطایان و دروغ‌گویان و مصلحت‌طلبان، افراد هوشمندی با شخصیت در طیف اسپرگر هستند.

این افراد هستند که قادرند دروغ مصلحت‌آمیز نگویند و همان چیزی را که شاهدند، بی‌کم‌وکاست گزارش کنند و عواقب بد و خوب آن مانع راست‌گویی‌شان نشود. پرفسور اتوود در متالاش از خامشی به نام باربارا لاک، شاغل در اداره پلیس شهر سیدنی یاد می‌کند که او را به علت افشاکری‌های مدت‌ش از فساد در دستگاه پلیس، از کار برکناس می‌کنند. این خانم بازنشسته پلیس دارای کودکی در طیف آلتیسم است و خودش نیز از نظر شخصیتی در طیف سندریم اسپرگر هوشمند قرار می‌گیرد. سازمان پلیس سیدنی،

تلنگر

سلامت اجتماعی

در کنار مسئولیت اجتماعی

سیدحسین موسوی‌چلک
رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران

● یکی از حوزه‌هایی که در طول سال‌های برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری مغفول مانده، موضوع «سلامت اجتماعی» است که تأملی بر وضعیت اجتماعی ایران هم به نوعی تأیدکننده نکته اشاره‌شده است. در مطالعات مختلف انجام‌شده داخلی و خارجی از این مفهوم اساسی و مهم سه تلقی وجود دارد؛ در تلقی اول، سلامت اجتماعی به‌عنوان وجهی از سلامت فرد در کنار سلامت جسمی و روانی قرار دارد. بر این اساس، سلامت اجتماعی وجوه مشترک زیادی با سلامت روان خواهد یافت. بین مفهوم سلامت روانی و سلامت اجتماعی فاصله نزدیکی وجود دارد همچنین مطالعات نشان داده‌اند معیارهای (مقیاس‌های) سلامت اجتماعی همبستگی مثبت و معتدلی با معیارهای سلامتی روانی دارند. در تلقی دوم، سلامت اجتماعی به‌عنوان شرایط اجتماعی ایجادکننده سلامت است که احتمالا با مفهومی وسیع‌تر به نام تعیین‌کننده‌های اجتماعی سلامت قابل برابری و هم‌تراز است. در تلقی سوم، سلامت اجتماعی به‌منابه جامعه سالم است که در آن به‌طور کلی وضعیت اجتماعی بهتری را شاهد هستیم. در این حالت، سلامت اجتماعی بر اساس شرایط فرهنگی و اجتماعی هر جامعه‌ای می‌تواند شاخصی متفاوت بیاید.

بر اساس منابع علمی مرتبط، مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در پیوند با مسئولیت شرکت در برابر جامعه، انسان‌ها و محیطی است که شرکت در آن فعالیت می‌کند و این مسئولیت از جستارهای اقتصادی و مالی فراتر می‌رود. مسئولیت اجتماعی شرکت در تعریفی روشن‌تر این‌گونه تعریف شده است: «مسئولیت اجتماعی شرکت فعالیت‌هایی است که پیش‌برنده سود و منفعت اجتماعی بوده و فراتر از منافع سازمان و آن چیزی است که قانون بایسته می‌دارد». مطالبه از سازمان‌ها برای «مسئولانه عمل‌کردن» در قبال جامعه، موضوعی است که با گسترش روزافزون اثرگذاری آنها بر محورهای تشکیل‌دهنده توسعه پایدار یعنی «اقتصاد»، «جامعه» و «محیط زیست»، در دهه‌های پایانی قرن بیستم شدت گرفته و منجر به این شده است که مفهومی به نام مسئولیت اجتماعی سازمان‌ها در دنیای مدیریت ظهور پیدا کند. همچنین در یک تعریف ساده، مسئولیت اجتماعی یعنی اینکه سازمان‌ها در مقابل جامعه‌ای که در آن فعالیت می‌کنند، مسؤل هستند چراکه از منابع انسانی، طبیعی و اقتصادی آن استفاده می‌کنند. برخلاف نگاه سنتی به مدیریت و کسب‌وکار، سازمان‌ها دیگر فقط در مقابل سهام‌داران‌شان مسؤل نیستند و نباید فقط به افزایش سود کوتاه‌مدت سهام‌داران خود بیندیشند. به این ترتیب انتظار می‌رود سازمان‌ها که در ارتباط با ذی‌نفعان دیگری نیز هستند، خواسته‌های مشروع آنها را هم لحاظ کنند. در هر کسب‌وکاری و از جمله شرکت‌هایی که برای تولید ثروت و کسب‌وکار ایجاد شده‌اند، باید صد درصد مسئولیت همه کارهای خود که جنبه اجتماعی دارند را بر عهده بگیرند. این مسئولیت در کسب‌وکار معمولی بر عهده صاحب آن و در شرکت‌ها بر عهده هیئت‌مدیره و مدیرعامل آن شرکت است.

آنچه در حال حاضر در زمینه این‌دو مفهوم می‌توان بر آن تأکید کرد، این است که در کشور هم به مسئولیت اجتماعی و هم به سلامت اجتماعی کمتر توجه شده است. گرچه ممکن است اصطلاح مسئولیت اجتماعی را بیش از سلامت اجتماعی شنیده یا دیده باشیم ولی آنچه در این حوزه اتفاق افتاده، بیشتر بر محور ساخت‌وساز خیریه‌ها، مدارس، درمانگاه‌ها و... است و کمتر بر حوزه سلامت اجتماعی با محوریت ارتقای داندن و آگاهی که آموزش یکی از راه‌های آن است، متمرکز شده است. ضمن اینکه فکر می‌کنم نباید مسئولیت اجتماعی بنگاه‌ها و شرکت‌ها فقط بر محور آموزش باشد به همان نسبت نیز فکر می‌کنیم نباید مسئولیت اجتماعی صرفا بر ساخت‌وساز خیریه‌ها و مدارس و... متمرکز باشد. به همین دلیل باید تناسبی بین هر دو محور ایجاد شود. گر چه فکر می‌کنم در این بین باید اولویت بر حوزه آموزش با محوریت سلامت اجتماعی باشد. اگر پیشگیری‌های اجتماعی که در افزایش سلامت اجتماعی تأثیرگذار هستند، مورد توجه بنگاه‌ها برای ایفای مسئولیت اجتماعی قرار گیرند، زمینه برای داشتن جامعه‌ای سالم‌تر پیش‌ازپیش فراهم می‌شود تا در آن جامعه فقر کمتر وجود داشته باشد، محیط زیست حفظ شود، جرم و آسیب اجتماعی کمتر باشد، مردم در آرامش باشند، عدالت اجتماعی مورد توجه قرار گیرد، دسترسی مردم به سلامت و بهداشت و درمان تسهیل شود، بی‌سوادی کمتر شود، حمایت اجتماعی وجود داشته باشد و... بنابراین ضروری است بنگاه‌های اقتصادی حوزه‌های مرتبط با ایفای مسئولیت اجتماعی خود را به سمت سلامت اجتماعی و آموزش سوق دهند؛ اقدامی که بازدهم مهربانه به وسیله بیمه سرمد انجام شد و برای ارتقای سطح آگاهی مددکاران اجتماعی و کارشناسان اجتماعی و روان‌شناختی با همکاری انجمن مددکاران اجتماعی ایران و کرسی سلامت اجتماعی یونسکو دانشگاه تهران و دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران نشست تخصصی برگزار کرد. این اقدام را باید بزرگ کرد تا دیگر بنگاه‌ها هم برای ایفای مسئولیت اجتماعی در حوزه سلامت اجتماعی پیش‌ازپیش ترغیب شوند.

عکس

باز هم جنگ

کودکانی که آسیب دیدند، زخمی شدند و زیر آوار قرار گرفتند. در روزگاری هستییم که نیسی از مهاجران و پناهندگان کودکانی هستند که حالا در فاصله بسیار دوری از خانه‌شان قرار دارند. کودکانی که دوران کودکی پررنجی داشتند. این جنگ سبب خواهد شد تا تصاویر دردناک کودکان باز هم منتشر شود. کودکانی که همچون سوندانی راه بسیار طولانی رسیدن به پناهگاه را به تنهایی و پیاده پیموده‌اند؟ چند کودک کرد قرار است تجربه‌های دردناکی را همچون ۱۱۱ هزار کودک آفریقایی که سال گذشته تنها بدون خانواده آواره شدند، تجربه کنند؟ کودکانی که درهای عظیمی را تجربه کرده‌اند، کودکانی که هرچند امید هست بتوانند بار دیگر زندگی خود را بسازند. اما مسئله این است اکنون و در این لحظات باز هم قرار است تعداد زیادی کودک آواره شوند. آسیب ببینند و زندگی پررنجی را تجربه کنند. هر چند طرفدارانش معتقدند «ارتش ترکیه با کردها نمی‌جنگد و به مناطق غیرنظامیان حمله نمی‌کند، ارتش ترکیه با تروریست‌های پ‌ک‌ا/پ‌ی‌د می‌جنگد و هدفش این است که کردیو تروریستی را منهدم و کردیوو صلح را ایجاد کند».

اما شبکه‌های خبری هر چند به‌طور محدود پر از تصاویر ضحجه‌های مادران کردی است که چشمه صلح اردوغان، فرزندشان را گرفته یا کودکان و پیرمردانی که آسیب دیده‌اند. هرچند ماجرای قیق‌بودن عکس‌ها نکته‌ای است که از سوی خبرگزاری‌های ترکیه نظیر آنا‌تولی منتشر شده است.